



چرا انسان از تکنولوژی رنج می‌برد؟

یکی از مهم‌ترین رنج‌هایی که بشر دارد و خیلی‌ها معتقدند نوعی از خودبیگانگی است، مساله تسلیم شدن انسان توسط تکنولوژی است؛ در واقع تمام تکنولوژی‌ها هرکدام به گونه‌ای در حال معنا دادن به زندگی ما هستند.

یکی از مهم‌ترین رنج‌هایی که بشر دارد و خیلی‌ها معتقدند نوعی از خودبیگانگی است، مساله تسلیم شدن انسان توسط تکنولوژی است؛ در واقع تمام تکنولوژی‌ها هرکدام به گونه‌ای در حال معنا دادن به زندگی ما هستند.

به گزارش ایسنا، دومین نشست از سلسله نشست‌های بررسی مسائل اقتصادی-اجتماعی ایران با موضوع «انسان‌گرایی و رنج‌های اجتماعی انسان و مدرن‌گرایی؛ از سوی معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی البرز در دانشگاه خوارزمی برگزار شد.

دکتر صلاح الدین قادری در این نشست، گفت: تضاد، تعارض و تناقض مهمترین عامل احساس رنج در دنیای مدرن است البته این رنج‌ها گاهی می‌توانند فرصت، امکان یا راهی برای رسیدن به رشد و تعالی باشند؛ همچنین می‌شود گفت که رنج‌های انسان مدرن همان امکان‌های او برای تعادل در وضعیت مدرن هستند.

وی افزود: تعارض و تناقض اساس زندگی مدرن است و تمام نظریه پردازان بدون استثنا در مورد اینکه دنیای مدرن دنیایی دارای تضاد و تعارض و تناقض است توافق دارند.

این جامعه شناس گفت: مهم‌ترین رنجی که انسان مدرن می‌برد و بزرگ‌ترین تفاوتی که با انسان سنتی دارد مساله تناقض است؛ انسان مدرن انسانی متعارض است و دارای ویژگی‌های شخصیتی و علائق رفتاری و روابط اجتماعی متضاد است؛ بنابراین بزرگترین رنج انسان مدرن که با آن متولد شده است کنار آمدن با تناقض‌هاست؛ آن چیزی که در گذشته می‌گفتند جمع نقیضین وجود ندارد برای انسان مدرن کاملاً وجود دارد.

وی افزود: مساله اصلی با رویکرد دکارتی به وجود آمدن جمله «ای که می‌گوید: «انسان‌گرایی پس هستم»؛ هستم به معنای عینیت است و می‌اندیشم معنای ذهن را می‌دهد، یعنی از ذهن استفاده می‌کنم برای این که بگویم وجود دارم؛ این موضوع تنها به اینجا خاتمه پیدا نکرد و انسان خودش را مالک و سرور طبیعت، جهان و انسان‌گرایی دیگر دانست.

این استاد جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی گفت: عده بسیاری معتقدند که رنج انسان از این الگوی فکری نمود پیدا کرد و انسان مدرن خودش را با این الگو از طبیعت جدا کرد چون حق خودش می‌دانست که باید طبیعت را بشناسد که این مورد فاعل شناسا است و همزمان با شناسایی طبیعت این مورد هم وجود داشت که انسان سرور طبیعت باشد و آن را کنترل کند پس در نتیجه این گرایش انسان به مسلط شدن و کنترل بر طبیعت پیدا کردن زمینه رنجی بود که برایش به وجود آمد.

وی در ادامه افزود: هنر انسان سنتی تقلید از طبیعت و همسو شدن با آن بود اما انسان مدرن در مقابل طبیعت ایستاد و به دنبال مهار کردن و کنترل آن در آمد و همین مسئله باعث شد زمینه‌ای برای آن فراهم شود که علاوه بر توسعه گرایی، اراده گرایی هم به وجود آید که از آن به خواست تغییر تعبیر می‌شود.

قادری اظهار کرد: این خواست، تغییرهای متفاوتی را در بر می‌گیرد و خودش نوعی رنج برای انسان به دنبال داشته است؛ دلیل این مسئله نوعی خود انکشاف و یافتگی بود که برای انسان به وجود می‌آید و او را به تغییر جهان، اراده طلبی آزاد، اراده تشکیل دولت و حتی درگیر شدن با خدا وادار می‌کند.

وی ادامه داد: انسان در این وضعیت به این موضوع فکر می‌کند که باید رابطه خود با خدا را تغییر دهد، در همه چیز دخالت کند و خودش خدای زمین شود و این مسئله‌ای است که رنج را برای انسان وجود آورد.

این استاد جامعه شناس در ادامه به تعریفی از مدرنیته پرداخت و گفت: جدا کردن خود از هر آنچه گذشته‌ هر شخص بوده تعریفی است که برای مدرنیته ارائه می‌شود. مشکل و رنج انسان مدرن در دنیا این است که نمی‌داند چه کسی حامی اوست و اگر بخواهد کسی از او حمایت کند حامی یا مکانیسمی که بخواهد وی را مورد حمایت قرار دهد وجود ندارد؛ در واقع از حمایت‌ها رها شده است اما در عین حال نیاز به حمایت را احساس می‌کند که خود نوعی تضاد است.

طبق اعلام روابط عمومی جهاددانشگاهی، قادری در پایان اظهار کرد: همه این‌ها مواردی هستند که باعث رنجش انسان در دنیای مدرن شده است و خود انسان هم در این تناقض و تعارض و تضادها دچار گرفتاری شده است و نمی‌داند چه انتخابی داشته باشد.